خبر

اردوغان: لقب قصاب غزه برای نتانیاهو ماندگار شد

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه دیروز در اظهاراتی، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را «قصاب غزه» لقب داد.

اردوغان با بیان این‌که اظهارات نتانیاهو، امیدها برای تبدیل وقفه بشردوستانه به آتش‌بس دائمی در نوار غزه را تضعیف می‌کند، گفت: «نتانیاهو عنوانی را برای خود به‌دست آورده که در تاریخ ماندگار خواهد شد: قصاب غزه!»

به نوشته خبرگزاری آناتولی، وی ادامه داد: «برادران ما در غزه از هفتم اکتبر مورد وحشتناک‌ترین حملات تاریخ قرار گرفته‌اند. مردم غزه از غذا، آب، دارو، سوخت و برق محروم هستند.»

رئیس جمهور ترکیه با بیان این‌که نوار غزه به یک زندان باز با بیش از دو میلیون نفر جمعیت تبدیل شده، بیان کرد: «آنچه غزه در طول هفته‌های اخیر در معرض آن قرار گرفته، یک نسل‌کشی است. [غزه] در معرض پاکسازی قومی در مقابل دیدگان جهان قرار دارد.» طبق این گزارش، اردوغان با بیان این‌که ترکیه به‌دنبال آزادی بازداشتی‌ها و آتش‌بس دائمی در نوار غزه است، تصریح کرد: «ما از همه ابزارها برای پاسخگو کردن اسرائیل برای جنایاتش استفاده خواهیم کرد.»

وی همچنین افزود: «تبادل اسرا و گروگان‌ها و آتش‌بس در غزه یک تحول مثبت است و ما از همه کشورهای دوست که در رسیدن به این توافق سهیم بودند تشکر می‌کنیم.»





فرامتن بیانیه گروه هفت در مورد جنگ غزه را بررسی کرده‌ایم

دستور عقب‌نشینی در اردوگاه غرب

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

وزرای خارجه گروه هفت کشور صنعتی طی بیانیه‌ای از تمدید وقفه در جنگ میان رژیم اشغالگر قدس و حماس به‌منظور آزادی تعداد بیشتری از گروگان‌ها حمایت کردند. آنها مدعی شده‌اند چنین تمدیدی امکان کمک‌رسانی به مردم غزه را پدید می‌آورد.

بدون شک مواضع گروه هفت، مصداق عینی فریبکاری و دوگانگی در قبال جنگ غزه محسوب می‌شود. مقامات کشورهای عضو گروه هفت یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا، ایتالیا و ژاپن جملگی از ابتدای جنگ غزه تاکنون به اصلی‌ترین حامیان کشتار و نسل‌کشی در غزه تبدیل شده و حتی در مواضع رسمی و علنی خود، جنون و توحش صهیونیست‌ها و به‌شهادت‌رساندن هزاران کودک و زن بی‌گناه در نوار غزه را مصداق دفاع مشروع قلمداد کرده بودند! بااین‌حال تشدید خشم و نفرت عمومی از رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن، به تغییر لحن و مواضع ظاهری سران گروه هفت منجر شده است. در این میان، باید نیت و پشت‌پرده واقعی تغییر چنین مواضعی را دریافت!

گروه هفت از ابتدای جنگ غزه، نقشه‌راهی را با مدیریت و عاملیت آمریکا طراحی و تنظیم کرده بود و دیگر اعضای این گروه نیز خود را نسبت به اجرایی ساختن آن متعهد ساخته بودند. بر این اساس، گروه هفت تصور می‌کرد حمایت‌های کامل و همه‌جانبه آن از تل‌آویو، نابودی حماس در نوار غزه را ممکن ساخته و از سوی دیگر، به همراهی بیشتر افکارعمومی دنیا با این گروه منجر خواهد شد. اما تجمیع توان اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای کشورهای عضو گروه هفت در طول ۴۷ روز نبرد، نتیجه‌ای معکوس (به ضرر آنها) به همراه داشت و به نفرت عمومی، داخلی و بین‌المللی از افرادی مانند بایدن، شولتس، سوناک، مکرون و ترودو منجر شد.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا چندی پیش خطاب به اعضای گروه هفت، به نکات قابل‌تاملی اشاره کرده که به نوعی، دغدغه‌های فرامتنی نبرد غزه در واشنگتن و تل‌آویو را آشکار می‌سازد. وی در این خصوص مدعی شده: «فعلا نباید از آتش‌بس در غزه سخن گفت و در مقابل، طرفدار ایجاد وقفه‌ای بشردوستانه در جنگ با هدف آزادی اسرا (اسرای صهیونیست) هستیم، ضمن آن‌که تشکیلات خودگردان فلسطین بهترین گزینه برای اداره نوار غزه محسوب می‌شود.»

رمزگشایی از مواضع بلینکن نشان می‌دهد اصرار بر عدم آتش‌بس در نوار غزه، محصول فرماندهی و مدیریت نبرد توسط آمریکاست. برخلاف ادعا و ظاهرسازی رسانه‌های وابسته به حزب دموکرات آمریکا که قصد داشتند رویکرد بایدن در جنگ غزه را متفاوت از رویکرد نتانیاهو و بن‌گویر نشان دهند، اکنون محرز است واشنگتن در حال فرماندهی تاکتیک‌ها و اضلاع جنگ علیه فلسطینیان است. در چنین شرایطی مقامات آمریکایی و دیگر اعضای گروه هفت نیز مانند صهیونیست‌ها نگران پایان نبرد بدون نابودی حماس هستند. اکثر استراتژیست‌های غربی متفق‌القول هستند که سران کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی باید چنین گزینه‌ای را برای همیشه فراموش کنند.

شکست صهیونیست‌ها در چند جبهه جنگ زمینی در نوار غزه و عدم تکمیل داده‌ها و اطلاعات نهادهای امنیتی و نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره تونل‌های غزه، وسعت، عمق و نقاط اتصال آنها به یکدیگر و شهرک‌های صهیونیست‌نشین به استیصال محاسباتی و میدانی دشمنان در غزه منجر شده است. نقطه اوج این استیصال، اصرار پشت‌پرده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس بر آتش‌بس در جنگ غزه بوده است.

این رویکرد، در تعارض مطلق با مواضع روزها و هفته‌های ابتدایی جنگ غزه بوده است. تغییر لحن بیانیه‌های صادرشده از سوی گروه هفت نیز ریشه در استیصال راهبردی و تاکتیکی آنها در منطقه و نظام بین‌الملل دارد. گروه هفت در دو جنگ اوکراین و غزه، بازیگر مشتعل‌کننده آتش جنگ بود اما در هر دوی این موارد، با نمادها و مصادیق عینی شکست و ناکارآمدی خود مواجه شد.

استفاده از کلیدواژه وقفه بشردوستانه

سران گروه هفت، ترجیح می‌دهند به‌جای استفاده از کلیدواژه آتش‌بس، صرفا بر وقفه بشردوستانه تاکید کنند زیرا به‌کارگیری کلمه آتش‌بس، به معنای شکست آنها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده است. بدیهی است اساسا میان بشردوستی و شخصیت ماهوی مقامات غربی و سران گروه هفت هیچ‌گونه تناسبی وجود ندارد. در چنین شرایطی باید به‌دنبال انگیزه‌های پنهان و آشکار غرب از ایجاد وقفه در جنگ غزه گشت. در این میان، دو انگیزه (یکی آشکار و دیگری پنهان) بیشتر از دیگر موارد احتمالی در میان مقامات آمریکایی و صهیونیست پررنگ است. یکی این‌که وجود اسرای صهیونیست در نوار غزه، به پاشنه‌آشیل عملیات میدانی نتانیاهو و کابینه جنگ رژیم اشغالگر قدس و متعاقبا حامیان غربی آنها تبدیل شده است. شکل‌گیری و تثبیت تظاهرات‌های شبانه در تل‌آویو و حیفا در اعتراض به عملکرد ارتش و کابینه نتانیاهو در آزادسازی اسرای صهیونیست، به این روند دامن زده است. یکی دیگر از این موارد، مربوط به نوع نگاه خاص گروه هفت در قبال تشکیلات خودگردان فلسطین است.

گروه هفت در دو جنگ اوکراین و غزه، بازیگر مشتعل‌کننده آتش جنگ بود اما در هر دوی این موارد، با شکست و ناکارآمدی مواجه شد

فریب ابومازن توسط گروه هفت

همان‌گونه که از مواضع سران گروه هفت نیز پیداست، ابومازن و دیگر اعضای ارشد تشکیلات خودگردان در ازای سکوت وقیحانه خود در برابر کشتار همه‌جانبه مردم مظلوم فلسطین در نوار غزه، وعده سلطه بر این منطقه را در قالب همان طرح خیالی و انتزاعی (طرح دو دولتی) از دموکرات‌های کاخ‌سفید دریافت کرده‌اند. این موضوع، مصداق خیانت و حماقت توأم ابومازن نسبت به وقایع جاری در نوار غزه است. وی از یک‌سو خائن است زیرا در ازای سلطه بر غزه حاضر شده از حق مسلم سرزمینی فلسطینیان و حتی حق حیات کودکان ساکن غزه صرف‌نظر کند.

قطعا وی سزای این معامله‌گری کثیف را مشاهده خواهد کرد اما از سوی دیگر، وی در همین صحنه نیز از اعضای گروه هفت فریب خورده است! ابومازن سال‌هاست برای نوار غزه کیسه دوخته و در سودای حذف گفتمان مقاومت و متعلقات آن از این منطقه است اما هربار، با دستانی خالی‌تر از گذشته ناچار به تسلیم در برابر واقعیات فلسطین و منطقه شده است. این‌بار بهترین فرصت برای ابومازن بود تا در سال‌های پایانی عمر خود، از توهمات و مشی سازشکارانه و خیانتکارانه خود در قبال سرزمین فلسطین و نوار غزه توبه کند و به‌سوی مردم فلسطین بازگردد اما او ترجیح داد برای چندمین بار به مهره بازی واشنگتن و تل‌آویو تبدیل شود.

در چنین شرایطی قطعا تشکیلات خودگردان نیز شریک شکست مطلق صهیونیست‌ها و کاخ‌سفید در نوار غزه خواهد بود؛ شکستی که این بار دیگر هزینه‌های آن برای تشکیلات خودگردان تحمل‌ناپذیر خواهد بود.

گزارش

نگاهی به سناریوهای مطرح برای غزه پس از جنگ

رویاهای دست‌نیافتنی نتانیاهو



بعد از عملیات طوفان‌الاقصی و همچنین حملات صهیونیست‌ها به غزه همواره مباحثی در ارتباط با سناریوهای آینده جنگ مطرح می‌شود که محوریت اصلی این سناریوها نیز بیشتر بر پایه وضعیت غزه و اداره آن بعد از جنگ است. این سناریوها با دیدگاه‌های مختلف مطرح شده‌اند اما برخی آن‌قدر غیرواقع‌بینانه و دور از دسترس است که کمترین احتمالی برای آنها نمی‌توان متصور بود. بااین‌حال نگاهی به تمام سناریوها و بررسی میزان تحقق آنها می‌تواند تصویری روشن‌تر از شرایط جنگ و میزان موفقیت هریک از طرفین در رسیدن به اهداف اولیه ارائه کند.

صهیونیست‌ها از ابتدای جنگ چند هدف اصلی را اعلام کرده‌اند که هنوز هم نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با وجود روشن‌بودن شکست این رژیم در رسیدن به اهداف خود برخی از آنها را تکرار می‌کند. نابودی حماس و آزادی گروگان‌ها از جمله این هدف‌هاست که هیچ‌یک محقق نشده و اسرائیل پس از نزدیک به ۵۰ روز جنایت مجبور به مذاکره با حماس و تبادل اسرا شد و این همان خواسته‌ای است که نیروهای مقاومت مطرح کردند. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی در جنگ زمینی علیه غزه به موفقیتی دست‌نیافت و برنامه‌ریزی بیش از قبل برای صهیونیست‌ها دشوار شده است.

در این ارتباط چهار سناریو، بیش از همه مورد بحث قرار گرفته و موافقان و مخالفان درباره میزان احتمال تحقق چنین سناریوهایی صحبت کرده‌اند که در اینجا به بررسی و میزان تحقق‌پذیری آنها پرداخته‌ایم.

۱ عدم تغییر در وضعیت غزه: برحسب این سناریو اسرائیل بنابر این‌که رویکرد میدانی خاصی در عرصه جنگی ندارد و بیشتر در جهت یک‌سری از اهداف متوهمانه به جنگ در غزه می‌پردازد، توفیق خاصی در تغییر وضعیت غزه نخواهد داشت. از آنجا که اسرائیل نتوانسته به اهداف خود در غزه برسد، بنابراین این وضعیت می‌تواند به‌عنوان یک سناریوی محتمل در نظر گرفته شود. البته صهیونیست‌ها معتقدند در صورت وقوع این سناریو همچنان تهدید حماس در آینده برای اسرائیل وجود خواهد داشت و باید به سمت‌وسویی حرکت کرد که این تهدید کاهش یابد. بنابر همین اصل، گزاره‌های مختلفی را در رابطه با آینده غزه مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آنها طرح قیمومیت، تبدیل‌شدن غزه به منطقه بین‌المللی و اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان است که هیچ‌یک از این گزاره‌ها امکان‌پذیر نیست. زیرا کشورهای عربی طرح قیمومیت را نپذیرفته‌اند. تبدیل‌شدن به منطقه بین‌المللی نیز امکان‌پذیر نیست و اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان نیز نه از طرف صهیونیست‌ها و نه از طرف مردم غزه قابل قبول نیست و تشکیلات خودگردان نیز اعلام کرده تنها در صورت اداره همزمان کرانه باختری، قدس و غزه حاضر به اداره این منطقه خواهد شد.

۲ الحاق بخش‌هایی از غزه به سرزمین‌های اشغالی: رژیم صهیونیستی در عملیات زمینی، غزه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده و تمرکز عملیاتی را نیز بر منطقه شمالی غزه گذاشته است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که صهیونیست‌ها در نظر داشته باشند منطقه شمالی را به سرزمین‌های اشغالی وصل و آن را جزئی از مناطق اشغالی اعلام کنند و در آن شهرک‌سازی انجام دهند؛ اما تحقق چنین سناریویی هم غیرممکن است چراکه صهیونیست‌ها را با مشکلات بیشتری نسبت به وضعیت فعلی مواجه می‌کند. از بعد منطقه‌ای، این سناریو جلوی هرگونه عادی‌سازی بیشتر روابط را می‌گیرد. حتی رژیم‌های مستبد عرب نمی‌توانند بیزاری عمیق و فزاینده نسبت به اسرائیل در میان جامعه خود را نادیده بگیرند. از سوی دیگر اسرائیل در سازمان ملل منزوی خواهد شد. به‌علاوه این احتمال مطرح است که رژیم صهیونیستی هدف حملات تلافی‌جویانه گروه‌های مقاومت قرار گیرد. در چنین سناریویی، درها به روی حماس و دیگر گروه‌های مقاومت باز و به یک چرخه خشونت میان شهرک‌نشینان و فلسطینی‌ها منجر می‌شود.

۳ الحاق کامل غزه: این سناریو جزو بعیدترین یا حتی می‌توان گفت غیرممکن‌ترین سناریوهای مطرح است زیرا این رژیم توانایی چنین کاری را ندارد. شاهد این مسأله هم این‌که اسرائیل با گذشت هفته‌ها از جنگ هوایی و زمینی هنوز نتوانسته است حتی در شمال غزه پیشرفت خاصی داشته باشد و مناطقی را برای خود تثبیت کند چه برسد به کل غزه.

براساس این سناریو، فلسطینی‌ها مجبور خواهند شد در اردوگاه‌های شهری مانند خان‌یونس، جنین و اریحا تحت نظارت امنیتی اسرائیل متمرکز شوند و سازمان ملل و نهادهای غیردولتی مختلف خدمات اولیه بشردوستانه را در اختیار این اردوگاه‌ها قرار می‌دهند که معنایش آن است که جامعه بین‌المللی به‌طور غیرمستقیم یک رژیم آپارتاید دائمی را تأمین مالی خواهد کرد. آخرین پیامد این سناریو آن است که تشدید درگیری منطقه‌ای از یک احتمال به یک امر قطعی تبدیل می‌شود و این همان مسأله‌ای است که کشورهای غربی حامی اسرائیل به‌شدت از آن بیمناکند.

۴ درگیری‌های کنترل‌شده: براساس این سناریو، افزایش آمار شهدای فلسطینی‌ها و همچنین افزایش تلفات صهیونیست‌ها، افزایش آمار جنایات جنگی احتمالی و تشدید خطر درگیری منطقه‌ای موجب می‌شود که آمریکا، اسرائیل را مجبور به توقف تهاجم زمینی خود کند. این سناریو از رخدادی ناشی می‌شود که به‌وضوح قوانین بشردوستانه را به شیوه‌ای مجرمانه و در مقیاس بزرگ نقض می‌کند نظیر حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان قدس غزه با بمب‌های فسفر سفید. از سوی دیگر با توجه به این‌که رژیم صهیونیستی نتوانسته در عملیات‌های خود موفقیتی کسب کند، سایر بازیگران همچون آمریکا در جهت کنترل تنش و جلوگیری از جنگ منطقه‌ای، این رژیم را به سمت محدودکردن برخی از اقدامات و حملات خود می‌کنند که در این راستا بحث آتش‌بس‌های موقت نیز مطرح می‌شود. زیرا آمریکایی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که به‌دنبال توسعه جنگ در سطح منطقه نیستند اما همچنان به حمایت‌های خود از این رژیم ادامه می‌دهند. این گزاره از این منظر برای آمریکایی‌ها مهم است که اولا از عدم توسعه جنگ جلوگیری می‌کند و ثانیا واشنگتن از طریق آن می‌تواند به برخی از اهداف خود به‌ویژه بحث آزادی اسرا دست پیدا کند.

مکث

فرار از بی‌آبرویی بیشتر

با توجه به گزاره‌های مطرح‌شده می‌توان گفت که وضعیت میدانی در غزه نشان می‌دهد که سناریوهای مبتنی بر الحاق غزه به مناطق اشغالی یا اداره آن توسط برخی بازیگران دولتی و ... امکان‌پذیر نیست، زیرا امروزه در عرصه میدانی رژیم صهیونیستی دستاوردی نداشته که بخواهد این سناریوها را عملیاتی کند. بنابراین در مقطع فعلی به‌دنبال سناریوی درگیری‌های کنترل‌شده هستند که از این طریق بتوانند حداقل به برخی از اهداف خود همچون آزادی اسرا برسند. در ضمن آمریکا و اسرائیل می‌توانند با این سناریو از پذیرش رسمی شکست و بی‌آبرویی بیشتر بگریزند.

ذره‌بین

حسین یاری | گروه بین‌الملل

دست باز متحدان آمریکا در به‌کارگیری سلاح‌های ممنوعه

در شرایطی که آمریکا و کشورهای غربی همواره با ادعای احتمال دستیابی به تسلیحات نظامی غیرمتعارف، کشورهای ناهمسو با خود را تحت فشار قرار می‌دهند و با پرونده‌سازی و به‌کارگیری از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل، کشورهای مستقل را به رفتار غیرقانونی متهم می‌کنند بررسی دو جنگ غزه و اوکراین نشان می‌دهد که متحدان آمریکا در زمینه به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف، هیچ محدودیتی ندارند و حتی مورد حمایت و کمک نیز قرار می‌گیرند.

در جنگ اخیر غزه شاهد انواع و اقسام جنایات از سوی رژیم صهیونیستی بوده‌ایم که حمله به بیمارستان‌ها و مدارس و کشتار غیرنظامیان تنها گوشه‌ای از این جنایات است به شکلی که بیش از ۱۵هزار نفر از مردم غزه در مدتی کمتر از ۵۰روز به شهادت رسیدند اما در کنار این رفتار اسرائیل باید به استفاده این رژیم از سلاح‌های غیرمتعارف در این جنگ نیز اشاره کرد. استفاده رژیم صهیونیستی از بمب فسفری که در زمره تسلیحات ممنوعه است از جمله موارد اثبات شده در این جنگ است.

دولت فلسطین همچنین خواستار تحقیق درباره استفاده احتمالی رژیم صهیونیستی از سلاح‌های شیمیایی در غزه است، درخواستی که از سوی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

جنبش عدم تعهد در بیانیه‌ای با اشاره به گزارش‌های منتشر شده درخصوص استفاده رژیم صهیونیستی از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های فسفری در غزه و جنوب لبنان عمیقا ابراز نگرانی کرده و نسبت به احتمال استفاده از عامل اعصاب و دیگر موارد سمی در حمله به غزه و کرانه باختری هشدار داده است.

ضرورت تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای استفاده صلح‌آمیز از مواد شیمیایی، رفع محدودیت‌های تبعیض‌آمیز از جمله تحریم‌های یکجانبه و حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی و تأکید بر مسئولیت دولت‌ها و دبیرخانه فنی سازمان برای تأمین دارو و تجهیزات لازم برای آنها، از دیگر محورهای بیانیه دولت‌های عضو جنبش عدم تعهد است.

استفاده اوکراین از سلاح‌های بیولوژیکی

در جنگ اوکراین هم به نظر می‌رسد دست کی‌یف برای به‌کارگیری انواع تسلیحات بازگذاشته شده و یک مقام ارشد وزارت دفاع روسیه نسبت به احتمال توسل جستن اوکراین به تسلیحات بیولوژیکی بعد از شکست ضدحمله تابستانی ارتش این کشور هشدار داده است.

به نوشته خبرگزاری اسپوتنیک، والری زالوژنی، فرمانده کل ارتش اوکراین اخیرا در مصاحبه‌ای با یک رسانه انگلیسی در اوایل ماه جاری میلادی اعتراف کرد، ضدحمله‌ای که اوکراین بعد از رجزخوانی بسیار در تابستان گذشته علیه روسیه شروع کرد به بن‌بست برخورد کرده است و از نزاع خود در پشت صحنه با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین به‌دلیل مخالفت او با در بن‌بست قرارگرفتن این ضدحمله خبر داد.

به‌دنبال این اظهارات ایگور کریلوف، رئیس بخش دفاع شیمیایی، رادیواکتیو و بیولوژیکی وزارت دفاع روسیه در مصاحبه‌ای گفت: «به‌دلیل این حقیقت که نیروهای مسلح اوکراین روی هم رفته نتوانستند در جریان به اصطلاح ضدحمله خود موفقیتی جدی را رقم بزنند، وزارت دفاع روسیه انتظار تغییر رویکرد آنها و بردن فعالیت‌های‌شان به سمت اشکال غیراستاندارد جنگ، از جمله استفاده از تسلیحات بیولوژیکی را دارد.»

این مسئول رده بالای وزارت دفاع روسیه تاکید کرد: «از جمله شیوه‌های احتمالی آنها آلوده‌سازی منابع آبی از جمله منابع آب آشامیدنی، آلوده‌سازی محصولات غذایی و غذای حیوانات است.» کریلوف تاکید کرد، روسیه تاکنون سند و مدرک‌های غیرمستقیم درباره یک چنین فعالیت‌هایی شامل مواد بیولوژیکی منجمد برای کشت پاتوژن‌های ویروسی و باکتریایی که همه متعلق به مجموعه‌های آمریکایی هستند را کشف کرده است.

سربازان بخش دفاع شیمیایی، بیولوژیکی و رادیواکتیو ارتش روسیه در ماه‌های بعد از شروع عملیات ویژه این ارتش در فوریه ۲۰۲۲ در اوکراین، ابعاد چشمگیر فعالیت‌های بیولوژیکی نظامی آمریکا در اوکراین را فاش کردند. آنها اسناد و مدارکی را کشف کردند که حاکی از وجود یک شبکه متشکل از حدودا ۴۶ آزمایشگاه زیستی آمریکا در اوکراین بود و این‌که این آزمایشگاه‌ها در تولید انواع تسلیحات بیولوژیکی نظیر سویه‌های ویروس‌های طراحی شده برای هدف گرفتن گروه‌های قومیتی یا نژادی خاص و تحقیق درباره تغییر پوشش گیاهی و جانوری به‌عنوان شکلی از جنگ اقتصادی علیه یک دشمن دست داشتند.

سربازان این واحد ارتش روسیه همچنین پی به تحقیقات آمریکا و آلمان برای دسته‌بندی ویروس‌های مرگبار سراسر جهان، اعم از آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بردند.

افشاگری‌های این واحد ارتش روسیه موجب شد آمریکا فعالیت‌های نظامی بیولوژیکی خود در سراسر جهان را کاهش دهد و برخی رسانه‌های غربی را وادار کرد که به‌صورت مستقل درباره ادعاهای ارتش روسیه در این زمینه تحقیق و آنها را به صورت مستقل راستی‌آزمایی کنند.